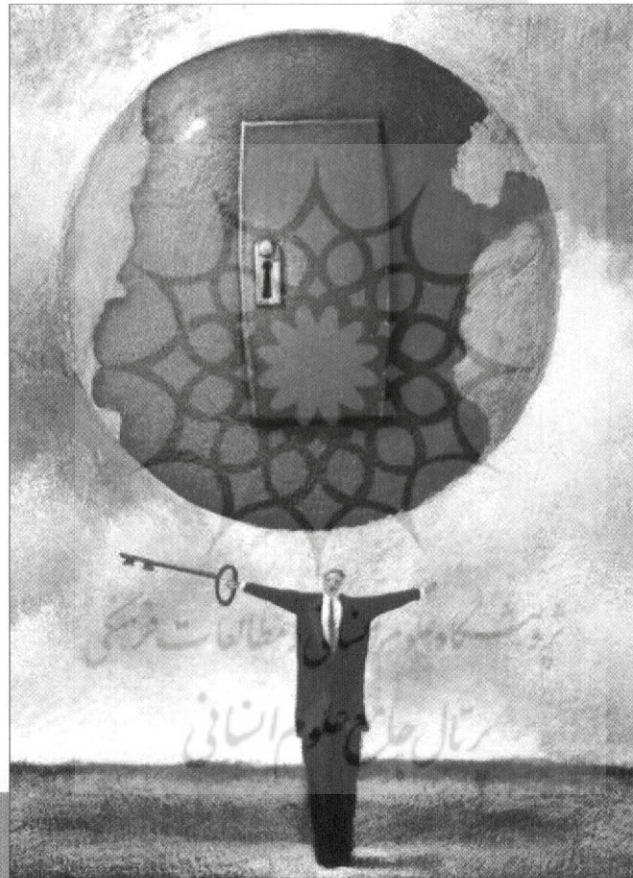


اخیر با تغییر قطب‌های جذب کارگر مهاجر تغییر جهت داده است. در پاره‌ای از بخش‌های جهان مهاجرت در واقع کاهش یافته است. برای مثال اگرچه تعداد مهاجران آسیایی از ۲۸۱ میلیون در ۱۹۷۰ به ۴۳۸ میلیون در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت، سهم آسیا در کل مهاجرت بین‌المللی در همین مدت از ۳۴/۵ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافت. سهم آفریقا در مهاجرت بین‌المللی هم کمتر شد؛ یعنی از ۱۲ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۹ درصد در سال ۲۰۰۰ تقلیل یافت. همین روند در مورد آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب هم اتفاق افتاد یعنی از ۷/۱ درصد به ۳/۴ درصد تنزل کرد، در اروپا نیز از ۲۲/۹ به ۱۷/۷ درصد و در اقیانوسیه از ۲۷/۷ به ۳/۳ درصد افت داشت. افزایش شدید مهاجران در این مدت تنها در آمریکای شمالی و اتحاد شوروی سابق مشاهده شد (در مورد آمریکا از ۱۵/۹ درصد به ۲۳/۳ درصد و در مورد فدراسیون روسیه از ۳/۸ درصد به ۱۶/۸ درصد). دلیل اصلی این روند صعودی در اتحاد شوروی سابق تغییر مرزها در نتیجه سرنگونی رژیم کمونیستی و مهاجرت‌های داخلی بود تا مهاجرت واقعی.

مهاجران در سطح بین‌المللی فقط چند کشور را هدف گرفته‌اند. به این معنی که ۷۵ درصد همه مهاجران عالم به ۱۲ درصد کشورهای دنیا مهاجرت کرده‌اند. از کل جمعیت مهاجران در جهان را ۵۶/۱ میلیون نفر در اروپا (از جمله بخش اروپایی اتحاد شوروی) یعنی ۷/۷ درصد جمعیت اروپا، ۴۹/۹ میلیون نفر در آسیا یعنی ۷۴ درصد جمعیت آسیا، ۴۰/۸ میلیون نفر در آمریکای شمالی یعنی ۱۲/۹ درصد جمعیت، ۱۶/۳

در عصر جهانی شدن مهاجرت می‌تواند مسأله فرار مغزها (Brain Drain) را به موضوع جذب و دریافت مغزها (Brain Gain) تبدیل کند



روند مهاجرت در سطح بین‌المللی الگوی بسیار روشن و قابل توجهی از نابرابری بین‌المللی مزدها، فرصت‌های بازار کار و روش زندگی در جهان معاصر است. میلیون‌ها انسان هر ساله در آرزوی زندگی بهتر از کشورهای فقیر و توسعه نیافته یا بی‌ثبات به سوی کشورها و قاره‌های ثروتمندتر راهی می‌شوند. آنها سعی می‌کنند شکاف درآمدی خود را از طریق این مهاجرت‌ها کاهش دهند. در صحنه توسعه نظر غالبی وجود دارد که مهاجرت نوعی استراتژی تنوع بخشیدن و مسائل معیشت برای بسیاری از مردم فقیر دنیا است. این

دیدگاه نه تنها مهاجرت بین‌المللی، بلکه حرکات جمعیت در داخل کشورهای فقیر در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را نیز در بر می‌گیرد.

روندهای کلی مهاجرت، آثار اقتصادی مهاجرت در دنیا، رابطه مهاجرت با جهانی شدن و تغییرات در سیاست کشورهای غربی و آوارگان و همچنین ایران و مسئله مهاجرت از جمله موضوعاتی است که در این نوشتار به آن‌ها پرداخته شده است.

در سال ۲۰۰۵ بین ۱۸۵ تا ۱۹۲ میلیون نفر مهاجر در سراسر جهان وجود داشته است. این رقم در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۷۵ میلیون نفر بوده است؛ یعنی از هر ۳۵ نفر یک نفر مهاجر در سطح بین‌المللی وجود داشته است. این مهاجران ۲/۹ درصد جمعیت گیتی را به خود اختصاص داده‌اند. ۴/۸۶ درصد آنها زن و بقیه مرد بوده‌اند. کل مهاجران عالم در سال ۱۹۷۰ فقط ۸۲ میلیون نفر بود.

جریان‌های مهاجرت در سال‌های

روند مهاجرت الگوی روشن نابرابری مزدها، فرصت‌ها و روش زندگی در جهان معاصر است

مهاجران

مظفر ترابی

میلیون نفر در آفریقا یعنی ۲ درصد جمعیت قاره، ۵/۹ میلیون نفر در آمریکای لاتین یعنی ۷۱ درصد جمعیت و ۵/۸ میلیون نفر در استرالیا یعنی ۱۷۷ درصد جمعیت استرالیا را تشکیل می دهند.

اثرات اقتصادی مهاجرت

منافع و هزینه های مهاجرت برای کشورهای فرستنده و پذیرنده، سبب ابراز نظرات مختلف و گاه متناقض شده است. بر اساس مدل های نظری، مهاجرت در بردارنده منافع اقتصادی ناشی از کار مهاجران، افزایش دانش و مهارت و سودهایی برای همه مهاجران است. کشور پذیرنده مهاجر کمبایی نیروی کار را از طریق مهاجران برطرف و از رهگذر آن تحرک شغلی ایجاد می کند. در عین حال با بهره گیری از نیروی کار مهاجر، فشار توری ناشی از دستمزدها کاهش یافته، بهره وری از سرمایه های مولد، صادرات و رشد اقتصادی افزایش می یابد. البته ورود تعداد زیادی مهاجر ممکن است بر رفاه عمومی، خدمات بهداشتی، مسکن، حمل و نقل و خدمت رسانی مدارس اثر منفی بگذارد. همچنین اگر قومیت یا زبان و مذهب مهاجران با کشور پذیرنده متفاوت باشد ممکن است تنش های اجتماعی و قومی و نژادی و مذهبی را تشدید کرده، رشد اقتصادی را به مخاطره بیندازد.

تحقیقات نشان می دهد که رابطه ای بین قبول مهاجر و افزایش بیکاری وجود ندارد. در پنج کشور عمده

سه کشور عمده میزبان مهاجران عبارتند از:

- آمریکا با پذیرش ۳۵ میلیون نفر (۲۰ درصد کل مهاجران جهان)؛
- فدراسیون روسیه با پذیرش ۱۳/۳ میلیون مهاجر (۷/۶ درصد)؛
- آلمان با پذیرش ۷/۳ میلیون نفر (۲/۲ درصد کل مهاجران جهان).

سه کشور اصلی فرستنده مهاجر عبارتند از:

- چین با ۳۵ میلیون مهاجر؛
- هند با ۲۰ میلیون مهاجر؛
- و فیلیپین با ۷ میلیون مهاجر.

بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشورهای آندورا، ماکائو، گوام، واتیکان، موناکو، قطر و امارات عربی متحده را مهاجران تشکیل می دهند. در سال ۲۰۰۰ حدود ۶۳ درصد مهاجرین جهان در کشورهای توسعه یافته و ۳۷ درصد آنها در کشورهای درحال توسعه ساکن بوده اند.

بعضی کشورهای فرستنده و پذیرنده مهاجر در دنیا عبارتند از:

- آمریکا در مقابل پذیرش هر چهار مهاجر خود یک مهاجر دارد؛
- آلمان و استرالیا در مقابل هر مهاجر که می پذیرند خود دو مهاجر دارند؛
- ژاپن و سوئیس در مقابل پذیرش هر سه مهاجر یک نفر را به مهاجرت می فرستند.

در سال ۲۰۰۵ بین ۱۸۵ تا ۱۹۲ میلیون نفر مهاجر در سراسر جهان وجود داشته است

پذیرنده مهاجر (آمریکا، آلمان، ژاپن، سوئیس و فرانسه) در سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ حتی میزان بیکاری کاهش نیز یافته است. در مورد آلمان ثابت شده است که حتی اگر کارگران خارجی در مشاغل شان به کار نپردازند، کارگران آلمانی علاقه ای به قبول این شغل ها ندارند. چون مهاجران، جز در کشورهای کوچک، حداکثر ۲۳ درصد نیروی کار کشور پذیرنده را تشکیل می دهند و قدرت ایجاد تغییر فاحش در ساختار اشتغال کشور پذیرنده را ندارند.

در خصوص تاثیر مهاجران خارجی بر بیمه های اجتماعی آمار درخور توجهی در دست است. برای مثال در انگلستان مهاجران خارجی ۴ میلیارد پوند یعنی ۲/۵

میلیارد پوند بیشتر از استفاده ای که از بیمه های اجتماعی برده اند به عنوان مالیات پرداخته اند. مهاجران در فصل بلوغ و پرورش کارآیی شخصی خویش مهاجرت می کنند. این در حالی است که هزینه های آموزش را کشور مهاجر فرست از قبل پرداخت کرده است و در واقع توانایی انباشت شده نزد مهاجر را به کشورهای پذیرنده هدیه می کند.

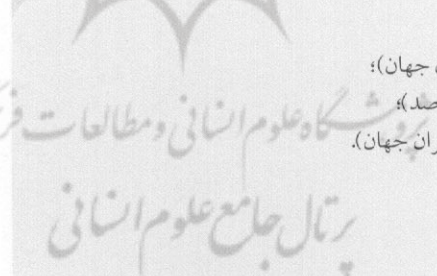
مهاجرت می تواند از شدت بیکاری در کشور فرستنده مهاجر بکاهد، رشد اقتصادی را از طریق دسترسی به حواله های پول و مهارت های بازگشته به کشور مادر افزایش دهد و برای خود مهاجر مزدهای بهتر و رفاه ایجاد کند. برحسب برآوردهای سازمان ملل ۴۰۰ هزار نفر، یعنی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کل متخصصان کشورهای مهاجر فرست، به کشورهای مهاجر پذیر مهاجرت کرده اند، در حالیکه ۷۲ میلیون نفر از آنان در کشورهای خود باقی مانده اند. به عنوان مثال ۱۲ درصد از نیروی کار متخصص مکزیک به آمریکا مهاجرت کرده اند که ۳۰ درصد آنان دارای درجه دکترا هستند. بر اساس برآورد OECD در فاصله سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ از کل دانشمندان و مهندسان خارجی با درجه دکترا که در آمریکا اقامت داشته اند شامل ۸۷ درصد چینی، ۸۲ درصد هندی، ۷۹ درصد بریتانیایی، ۵۷ درصد تایوانی و ۳۹ درصد کره ای بوده است.

تحقیقی که به تازگی در باره ۱۴ کشور صورت گرفته نشان می دهد که میان توسعه مهارت ها و بالارفتن بهره وری کار و رشد اقتصادی ارتباط وجود دارد. به این معنی که خروج مهارت از کشور به آسانی قابل جبران نیست و ممکن است در نهایت منجر به شکنندگی اقتصادی، رکود یا کاهش میانگین درآمد و خروج مقادیر معتابیهی سرمایه انسانی شود که هزینه زیادی را به کشورها تحمیل کرده است. به نظر دولت آفریقای جنوبی سالانه فقط از محل مهاجرت پزشکان و رشته های مربوطه یک میلیارد دلار خسارت متوجه آن کشور می شود که برابر با کل کمک های توسعه ای دریافتی آن کشور از ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ از خارج است. در غنا و زیمبابوه خسارت وارده از محل مهاجرت سه چهارم پزشکانی که سه یا چهار سال پس از فراغت از تحصیل کشور را ترک کرده اند قابل محاسبه نیست.

در مقابل منافع کشورهای پذیرنده مهاجر غیر قابل انکار است. این جریان مهاجرت در نهایت به فقر کشورهای فرستنده و نابرابری جهانی منجر می شود.

جهانی شدن و مهاجرت

در عصر جهانی شدن مهاجرت می تواند مساله فرار مغزها (Brain Drain) را به موضوع جذب و دریافت



هر ساله میلیون ها نفر از مردم سراسر جهان به خاطر جنگ، گرسنگی، و ناآرامی ها و یا برای گریز از خطر مرگ و شکنجه از سوی ستمکاران مجبور به گریختن از کشور خود می شوند

و از مساعدت آنها، به عنوان مشاوران کوتاه مدت در امور تخصصی، بهره مند شوند. تاکنون کشور های پاکستان، هند، فلسطین، ویتنام، لبنان، سنگال، ایتالیا، بوسنی، نپال و سوریه از این تسهیلات استفاده کرده اند. کشورهای فرستنده مهاجر باید هم ارتباط معنوی خود را با مهاجران شان حفظ و هم شرایط را برای آنها در وطن خود دوستانه و حمایت گرانه کنند. پذیرفتن تابعیت مضاعف و قبول حقوق و تعهدات مهاجران از جمله این حمایت هاست. این گونه ارتباطات می تواند فرار مغزها را به جذب مغزها تبدیل کند.

تغییر سیاست های غرب در زمینه پذیرش مهاجر

در فاصله سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ بی ثباتی، کشمکش های قومی، مشکلات اقتصادی و باز شدن مرزها پس از سرنگونی نظام کمونیستی شوروی باعث خیزش موج مهاجرت بیش از یک میلیون نفر به سوی غرب شد. این رقم پس از مدتی به ۲ میلیون نفر افزایش یافت و بحران بالکان و یوگسلاوی بر شدت آن افزود. در فاصله ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ فدراسیون روسیه با ۳۷۷ میلیون نفر مهاجر از سایر کشورهای مشترک المنافع روسیه مواجه شد.

مهاجران جهان بیش از همه مایل به مهاجرت به استرالیا، کانادا، نیوزیلند و آمریکا هستند. شمار مهاجران در این کشورها در سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ بسیار افزایش یافت و از ۱۵۷۹ میلیون به ۴۶۴ میلیون نفر رسید. در این میان آمریکا بالاترین را پذیرش ۲۵ میلیون مهاجر بیشترین افزایش را به نام خود ثبت کرده است. به این ترتیب جمعیت متولد خارج آمریکا از ۹۷ میلیون نفر به ۳۵ میلیون نفر افزایش یافت. سهم کانادا ۲/۶ میلیون نفر، استرالیا ۲/۲ میلیون نفر و نیوزیلند ۴۰۰ هزار نفر بوده است.

افزایش چشمگیر شمار مهاجران نتیجه تغییر سیاست های پذیرش مهاجر از سوی این کشورهاست. در سال ۱۹۶۵ آمریکا سیاست پذیرش مهاجر خود را اصلاح و سهمیه بندی برای مناطق را لغو کرد. ایالات متحده معیار گزینش را جایگزین سهمیه بندی نمود که اساس آن عمدتاً بر پیوندهای خانوادگی با اتباع آمریکا یا مقیم شدگان دائم استوار است. در دهه ۱۹۷۰ استرالیا و کانادا نیز سیاست مشابهی را قبول و اجرا کردند (سیستم امتیازات مهاجر). اینان در سیاست های مهاجرتی خود تغییراتی دادند و به جای سهمیه بندی مناطق، آن را به شرائط اقتصادی، ارزآوری مهاجر و تخصص وی منوط کردند. گرچه استرالیا، کانادا و اروپای غربی مهاجران کمتری را در سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۴ ثبت کردند، ولی از

ساخته است که با اتباع خود در هرکجا که باشند ارتباط برقرار نمایند و از استعداد های آنها بهره مند شوند. به این ترتیب الگوی جدید تحرک افراد ماهر در سطح جهانی پدیدار شده است.

برنامه توسعه ملل متحد با بهره گیری از برنامه «تاکتن» (TOKTEN)، که از سال ۱۹۷۰ به اجرا درآمده است، به کشور های در حال توسعه مهاجر فرست کمک می کند تا با مهاجرین خود در خارج تماس برقرار کنند

مغزها (Brain Gain) تبدیل کند. البته مهاجرت موجب خالی شدن کامل کشور مهاجر فرست از استعدادها و مغزهای متفکر نمی شود، بلکه آن را با نوعی از مدل مهارت های جدید فراملیتی مشارکتی جایگزین می کند. تحقیقات نشان داده است که کشورهایی همچون السالوادور، گینه فرانسه، جامائیکا، ترینیداد و توباگو از مهاجرت ۲۰ درصد فارغ التحصیل های دانشگاه های شان، به هنگامی که سطح آموزش درون کشور پایین است، سود برده اند. در مقابل، کشورهایی مانند چین و برزیل با سطح پایین مهاجرت و آموزش افراد بالغ از افزایش مهاجرت افراد ماهر سود می برند. خروج سیل وار مهارت ها از کشورهای در حال توسعه اغلب منعکس کننده شکاف عرضه و تقاضای کارگران ماهر است. این گروه از کشورها باید با اصلاح سیستم آموزشی یا افزایش تقاضا برای کارگران ماهر و ایجاد فرصت های شغلی از طریق افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی به مصاف این معضل بروند. تحولات جهانی در سال های اخیر، از جمله ارتباط متقابل و همگرایی بازارها و پیشرفت چشمگیر در ارتباطات و مخابرات، کشور های مهاجر فرست را قادر

حواله های پول

کل مبلغ حواله های پول مهاجران برای خانواده های خود در سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۹۳ میلیارد دلار آمریکا بود. این رقم در سال ۲۰۰۴ به ۱۲۶ میلیارد دلار رسید. از این میان ۲۰ درصد حواله ها به جنوب آسیا فرستاده شد. کشورهای عمده دریافت کننده این حواله ها عبارت بودند از:

مکزیک ۱۱ میلیارد دلار (۷۷۳ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور)؛
هند ۸/۴۱ میلیارد دلار (۷۶۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور)؛
فیلیپین ۷/۳۶۳ میلیارد دلار (۹۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور)؛
مصر ۲/۸۹۳ میلیارد دلار (۳۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور)؛
و مراکش ۲/۸۷۷ میلیارد دلار (۸ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور).

کشور های مبداء حواله ها عبارتند از:

آمریکا ۲۸ میلیارد دلار؛
عربستان سعودی ۱۵ میلیارد دلار؛
آلمان، بلژیک و سوئیس هر کدام ۸ میلیارد دلار؛
فرانسه ۳/۹ میلیارد دلار؛
لوگزامبورگ ۳/۸ میلیارد دلار؛
رژیم اشغالگر قدس ۳ میلیارد دلار؛
ایتالیا ۲/۶ میلیارد دلار؛
و ژاپن ۲/۳ میلیارد دلار.

نباید به مهاجران فقط به دلیل حواله های ارسالی آنها اهمیت داد. این امر می تواند گمراه کننده باشد. اصولاً معلوم نیست که مهاجران در مقابل این حواله ها چه مقدار سرمایه از کشور خارج کرده اند. در سال ۲۰۰۲ جمعاً ۵۰ میلیارد دلار از کشورهای ثروتمند بابت این حواله ها خارج شده و در مقابل ۹۳ میلیارد دلار از سوی مهاجران به آن کشورها وارد شده است.



درصد در مورد سوئد تا ۲۰ تا ۳۰ درصد در مورد دانمارک و فرانسه متفاوت است. الگوی پذیرش در انگلیس و سوئیس نیز تفاوت دارد. در این کشورها بیشتر کارگران اقتصادی پذیرفته می‌شوند تا کسانی که از طریق پیوستن به خانواده اقدام می‌کنند.

نکته آخر در این زمینه قبول مهاجر بر اساس اقامت موقت یا رواید موقت کار برای متخصصان است. در سال ۲۰۰۰ نیم میلیون متقاضی مهاجرت به آمریکا از این طریق پذیرفته شدند. شمار پذیرفته شدگان در استرالیا و کانادا بیش از ۱۰۰ هزار نفر، در انگلیس و نیوزیلند بیش از ۵۰ هزار نفر و در فرانسه کمتر از ۱۰ هزار نفر بوده است.

آوارگان

هر ساله میلیون‌ها نفر از مردم سراسر جهان به خاطر جنگ، گرسنگی، و ناآرامی‌های سیاسی و مدنی جابه‌جا می‌شوند و یا برای گریز از خطر مرگ و شکنجه از سوی ستمکاران مجبور به گریختن از کشور خود می‌شوند. افغان‌ها بزرگ‌ترین گروه آواره در جهان با ۲/۱ میلیون نفر، و سودانی‌ها با ۱۲۵ هزار نفر هستند. ایران و پاکستان نیز بزرگ‌ترین مقصد آوارگان در جهان به شمار می‌روند. جمعا ۹ میلیون آواره در سراسر جهان وجود دارند که اگر آمار کمیسیاریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR)، یعنی ۱۹۲ میلیون نفر دستخوش نگرانی، را هم بر آن بیفزاییم شمار این عده به ۲/۲ میلیون نفر بالغ خواهد شد. تعداد این گروه از آوارگان در کشورهای ثروتمند غربی در حال کاهش است. در مقابل بسیاری از کشورهای فقیر میزان شمار زیادی از این آوارگان بوده‌اند. این آوارگان باید سال‌های بسیاری از عمر خود را در اردوگاه‌ها و چادرها به سر برند. اگر افراد بدون تابعیت و کشور و آوارگان داخلی کشورها را

سال ۱۹۸۵ قبول مهاجر از طرف آنها به شدت افزایش یافت. در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ مهاجرت به کانادا از ۲۰۰ تا ۲۲۵ هزار نفر در سال فراتر رفت و به ۲۳۸ هزار نفر افزایش یافت.

در دهه ۱۹۹۰ آمریکا سالانه ۷۵۰ هزار نفر مهاجر قبول می‌کرد که این تعداد در اوایل قرن ۲۱ به یک میلیون نفر رسید. تعداد واقعی مهاجران تکمیل پرونده شده در این کشور در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ بیشتر بود؛ زیرا شامل ۲/۷ میلیون مهاجری نمی‌شد که بر اساس اصلاح قانون مهاجرت سال ۱۹۸۶ شرایط شان مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته بود. ۷۵ درصد این مهاجران مکزیک‌بومی بودند. در نتیجه، شمار مهاجران در آمریکا از ۴ میلیون نفر در سال ۱۹۸۶ به ۲/۵ میلیون در سال ۱۹۸۹ کاهش یافت. با این وجود مهاجرت بدون وقفه در دهه ۱۹۹۰ به آمریکا ادامه داشت؛ به ویژه که اقتصاد آمریکا در حال رونق بود و به کار و تخصص مهاجران نیاز داشت. تعداد مهاجران غیرقانونی در ژانویه ۲۰۰۰ بالغ بر ۷ میلیون برآورد می‌شد که ۴/۸ میلیون نفر آنها مکزیک‌بومی بودند.

در این سال‌ها شرایط پذیرش مهاجرت سه کشور عمده مهاجر پذیر به تمامی کشورها تسری یافت و قبول مهاجر از کشورهای در حال توسعه افزایش یافت.

پذیرش مهاجران آسیایی در هر سه کشور اصلی مهاجر پذیر، به ویژه از سوی کانادا از سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. در واقع از آن زمان نیمی از مهاجران آسیایی وارد کانادا شده‌اند. در استرالیا بیشترین شمار مهاجران آسیایی پذیرش شده در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ ثبت شد، در حالی که آمریکا در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ شاهد این روند بود. در آن زمان پناهندگان هندوچینی در آمریکا اجازه اقامت یافتند. البته شمار مهاجران آمریکای لاتین و حوزه کارائیب همیشه بیش از مهاجران مناطق دیگر بود و حتی در دهه ۱۹۹۰ از شمار مهاجران آسیایی پیشی گرفت.

ایران در چهارراه تمدن و منطقه‌ای استراتژیک قرار گرفته است و باید الزامات این موقعیت را بپذیرد

همچنان که اشاره شد عامل اصلی پذیرش در این سه کشور پیوندهای خانوادگی است. برای مثال در آمریکا پیوستن به خانواده ۷۰ درصد کل مهاجران را تشکیل می‌دهد، در کانادا ۶۰ درصد و در استرالیا ۵۰ درصد. ۶۰ درصد مهاجران به دانمارک، فرانسه و سوئد نیز همین وضعیت را دارند و شمار کارگران اقتصادی پذیرفته شده نسبتاً کم گزارش شده است. این رقم از ۲

سه پرسش مهم

آیا کشورهای فرستنده همواره به هنگام بازگشت مهاجران به کشور خود از سرمایه انسانی ماهر بهره می‌برند؟ پاسخ به سه پرسش زیر نتیجه بحث را مشخص می‌کند:

آیا مهاجر با مهارت بیشتر یا بهتری به کشور خود باز می‌گردد؟

آیا مهارت کسب شده در خارج، نیاز کشور را برآورده می‌کند؟

آیا مهاجر در بازگشت اراده و توان استفاده از مهارت‌های خود را دارد؟

مهاجران ترکیه و یونان ترجیح می‌دهند به خاطر امکانات رفاهی بیشتر و بهتر در کشور خارجی اقامت دائم داشته باشند. در باره مهاجران بنگلادش و سری لانکا در کشورهای خلیج فارس گفتنی است که اصولاً این مهاجران مهارت قابل عرضه‌ای نیاموخته‌اند و چه بسا مهارت‌های پیشین خود را از دست داده‌اند. افراد بازگشته از «سیلیکون ولی» آمریکا در هند و تایوان بانی ایجاد صنایع کوچک نرم‌افزاری در کشور خود شده‌اند.

هم به رقم آوارگان اضافه کنیم تعداد آوارگان در جهان به ۲۰ میلیون نفر خواهد رسید.

بستن مرزهای اروپا بر روی آوارگان از سال ۱۹۷۰ آغاز شد. بیشتر کشورهای اروپایی دیگر آوارگان را مردمی که نیازمند پشتیبانی هستند تلقی نمی کنند، بلکه آنان را مهاجران اقتصادی به شمار می آورند که فقط برای زندگی و کار بهتر دست به مهاجرت می زنند. آنها معتقدند که پس از فروپاشی کمونیسم دیگر آواره-مخالف سیاسی وجود ندارد.

مهاجرت و ایران

ایران هم مهاجرفرست و هم مهاجرپذیر است. مهاجرت اتباع افغانستان و عراق به کشورمان در دهه های گذشته و مهاجرت ایرانیان به آمریکا، اروپا، کشورهای حوزه خلیج فارس و در سال های اخیر به کره و ژاپن و استرالیا موید این نظر است. تقریباً در هر کشوری باشییم جامعه کوچک یا بزرگی از ایرانیان زندگی می کنند و غالباً هم با ایران و خانواده های خود ارتباط سیاسی و معنوی دارند. سودهای حاصله از مهاجرت ایرانیان به

اروپا، آمریکا و استرالیا، و در سالیان اخیر به آسیا، چه از جهت آشنایی با علوم و فنون جدید و چه ورود سرمایه ایرانیان بازگشته، قابل انکار نیست. خود این مهاجرت ها سطح زندگی و سواد و بینش مهاجران ایرانی و خانواده های آنها را بالا برده است و از جهت فرهنگی به ایجاد روابط بهتر ایران با دولت های این کشورها انجامیده است. ایران در عصر جهانی شدن نیازمند این تبادلات و جریان های انسانی در گیتی است.

در مورد مهاجرپذیری البته ورود سیل گونه مهاجران و آوارگان افغانی و عراقی مشکلاتی را برای کشورمان، به ویژه در بخش های خدمات عمومی، بهداشت، رفاه و

سود آزادی مهاجرت

در سال ۱۹۸۴ یک بررسی مستقل نشان داد که اگر موانع مهاجرت در دنیا از میان برداشته شود منافع بهره وری می تواند در آمد جهانی را دو برابر کند. در بررسی دیگر اثبات شد به دلیل تفاوت فاحش دستمزد کارگران دارای مهارت های مشابه در کشورهای توسعه یافته و نیافته، که گاه به ۱۰ برابر می رسد و در مقابل تفاوت بین قیمت کالاها و دارائی های مالی حداکثر دو برابر است، در صورت تحقق آزاد سازی در امر مهاجرت ۲۵ برابر سود نسبت به آزاد سازی جابه جایی کالا و سرمایه ایجاد خواهد شد. البته در این محاسبه فشارهای وارده بر خدمات عمومی، مسکن، حمل و نقل و آموزش کشور پذیرنده مهاجر محاسبه نشده است. همچنین ایجاد تنش و ناهماهنگی در صورتی که فرهنگ و قومیت و مذهب مهاجران با آنچه در کشور پذیرنده حاکم است متفاوت باشد در این بررسی مورد ارزیابی قرار نگرفته است.



اشتغال ایجاد کرده است. در عین حال نباید فراموش کرد که این مهاجران در بخش های ساختمانی و کشاورزی کشورمان سهم قابل توجهی داشته اند. پذیرش مهاجران و آوارگان برای کشورمان اعتبار سیاسی و بین المللی ایجاد کرده است، به ویژه به دلیل اینکه مهاجرت بیشتر به کشورهای صورت می گیرد که مهاجران و آوارگان در آن احساس امنیت، آرامش، کار با درآمد بهتر و آزادی می کنند.

ایران در چهارراه تمدن و منطقه ای استراتژیک قرار گرفته است و باید الزامات این موقعیت را بپذیرد. توسعه فرهنگی ایران خود نیازمند این گونه یاری ها و تبادلات فرهنگی است و در طول تاریخ هم چنین بوده است.

از همین رو مناسب است ایران هم در زمینه فرستادن مهاجر و هم پذیرش مهاجر سیاسی معقول اتخاذ کند تا با سیل مهاجرت متخصصان کشور یا مواجه نشود. می توان چنان سیاسی را اتخاذ کرد که حتی در صورت مهاجرت متخصصان، رابطه نهادینه آنان با کشور حفظ شود و بتوان از مهارت ها، نفوذ سیاسی و

اقتصادی و سرمایه آنان در بلند مدت سود برد. برای این منظور باید موانع موجود همچون عدم قبول تابعیت مضاعف را در قوانین اصلاح کرد و توجه نمود که هر ایرانی یا ایرانی الاصل در گوشه و کنار جهان یک سرمایه برای آینده کشور تلقی می شود و نه یک خسران.

در زمینه پذیرش مهاجر نیز باید سیاستی منسجم، مبتنی بر ساز و کارهای بین المللی و کنترل شده را تدوین و همچون کشورهای اصلی مهاجر پذیر سیاست های خاص گزینش مهاجر اتخاذ کرد. ایران با کشورهای همسایه است که بسیاری از مردم آن ها به حوزه فرهنگی ایران قدیم وابسته اند و آرزوی مهاجرت و اقامت دائم در ایران دارند. در سال های اخیر افزایش درآمد نفت، رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و اقتصادی هم جذابیت ایران را برای مهاجران متخصص و ماهر و نیمه ماهر بیشتر کرده است. از همین رو لازم است ساز و کارهای لازم را برای سیاست گزینش مهاجر و آواره تنظیم کرد. ایران باید فعالانه در سازمان های بین المللی مربوط به مهاجرت و آوارگی و نیز در تنظیم ساز و کارهای اجرایی این سازمان ها حضور داشته باشد و در صورت تشکیل سازمان مهاجرت جهانی به دلیل تجارب خود نقشی محوری را در تدوین بنیاد های قانونی و

راهکارها ایفاء کند. ●

جمعیت مهاجران در جهان:
 ۵۶/۱ میلیون نفر در اروپا،
 ۴۹/۹ میلیون نفر در آسیا،
 ۴۰/۸۸ میلیون نفر در آمریکای
 شمالی، ۱۶/۳ میلیون نفر در
 آفریقا، ۵/۹ میلیون نفر در
 آمریکای لاتین و ۵/۸ میلیون
 نفر در استرالیا



شرکت ملی نفتکش ایران



ناوگان شرکت ملی نفتکش ایران در سال ۲۰۰۵ با حمل ۸۰ میلیون تن نفت خام و فرآورده و طی مسافت ۱/۸ میلیون مایل دریایی به رکورد تاریخی جدیدی در حمل و نقل نفت خام دست یافت.

شرکت ملی نفتکش ایران در حال حاضر با سفارش ساخت ۱۱ فروند کشتی به کشتی سازی های داخلی و ۱۳ فروند نفتکش غول پیکر همراه با ۴ فروند کشتی نفتکش سوئز ماکس به کشتی سازی های بین المللی تا ۳ سال دیگر ظرفیت آن از ۶ میلیون تن ظرفیت موجود به ۱۱/۵ میلیون تن افزایش خواهد یافت.

این افزایش ظرفیت سبب خواهد گردید که جایگاه جهانی شرکت ملی نفتکش ایران از رتبه هفتم به رتبه چهارم جهانی ارتقاء یابد.

شرکت ملی نفتکش طی دو سال گذشته به سبب عملکرد برجسته خود چهار جایزه بین المللی از طرف مؤسسه های دریایی «لویدز» و «سی ترید» دریافت نموده است.

نشانی شرکت ملی نفتکش (دفتر مرکزی)

آدرس: تهران - بزرگراه آفریقا - خیابان شهید عاطفی - شماره ۶۷ و ۸۸ - تلفن: ۲۳۸۰۱ - فاکس: ۲۲۲۲۳۰۱۱